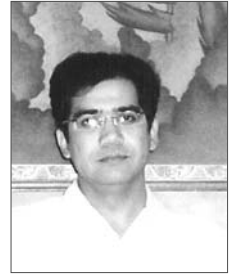


حرفی از هزار... با صاحب‌دآن

حمید ضرابی

(مدیر مسئول و سردبیر)

hmzarabi@parsimail.com



هنرموسیقی: نوازشگر یا آشفته‌گر؟

خشت اولیه، کج گذاشته شود و بدیهی است بنایی که بر شالوده‌ی این طرز کار ساخته می‌شود تا ثریا کج خواهد بود! در حالی که اهتمام به آشنایی با علم موسیقی، از یک سو روند آموختن را آسان تر و کوتاه تر می‌سازد و از سوی دیگر طبیعتاً به اثر هنری نیز وجهه‌ای متین می‌بخشد.

در نشست‌هایی که اخیراً با هنرمند صاحب سبک و آوازه‌ی کشور ما - وحید قاسمی - داشتیم، ایشان به همین ارتباط به نکته‌ای بسیار جالب اشاره کردند که «ما بازخواست‌گر در زمینه‌ی موسیقی نداریم». حقیقت نیز چنین است. کار آواز خوانان ما - به خصوص آوازخوانان تازه کار ما - مورد نقد قرار نمی‌گیرد تا آنها را به کوشش برای ارتقای سطح کاری شان وادار سازد.

من با اینکه نظر به وضعیت کنونی فرهنگی و هنری جامعه و پایین بودن سطح گرایش به مسائل هنری، طرفدار کار نقد و نقد نویسی نیستم و آن را نوعی عامل بازدارنده در گرایش جوانان به دنیای هنر می‌دانم؛ اما چون موسیقی پدیده‌ای است که اگر در آن تحول و نوگرایی هدفمند وجود نداشته باشد، نمی‌تواند نوازشگر روح و روان باشد، لذا استثناً قایلیم که کار آواز خوانان ما باید مورد نقد قرار گیرد.

متأسفانه چه در گذشته و چه حال، وضعیت بر منوالی بوده است که عده‌ای بسیار کم، زحمت و مشقت فراگیری علمی و اساسی هنر موسیقی را بر خود هموار می‌کرده‌اند. اغلب به صورت ذوقی به موسیقی می‌پرداخته‌اند. نه به فکر ارتقاء سطح کاری خود بوده‌اند و نه زحمت تمرین و ریاضت را برای پرورش دادن صدا، متقبل می‌شده‌اند. از همین رو است که وقتی به کارنامه‌ی اکثر آواز خوانان کشور نظر می‌افکنیم، کمتر سیر صعودی را در آن می‌بینیم. کیفیت صدا و سطح کاری اکثر آنها همان است که سال پیش و یا حتی ۱۰ سال و ۱۵ سال قبل بوده است. در حالی که آواز خوانی مانند هر هنر دیگر، به تمرین و ممارست مستمر نیازمند است و قاعدتاً وقتی کاری تازه از سوی یک آواز خوان ارائه می‌شود

هنر از پدیده‌هایی است که ارتباط مستقیم با احساس و عواطف انسانی دارد. گستره‌ی این ارتباط هم در رابطه‌ی «هنر و هنرمند» و هم در رابطه‌ی «هنر و مخاطب» مشهود است. از نظر علم زیبایی‌شناسی، هنر از شمار زیبایی‌های معقول است لذا اثر هنری بالذات می‌تواند از نظر روان شناختی یا عاطفی، در ایجاد تحول در حالات درونی انسان منشأ اثر باشد. چنانکه پدیده‌ی موسیقی به عنوان شاخه‌ای از زیبایی‌های معقول، به همان اندازه که در تعالی و نوازش روحی و روانی انسان می‌تواند مؤثر باشد، در صورتی که از وجهه‌ی سالم برخوردار نباشد، به همان اندازه در ایجاد آشفتنی روانی انسان نیز نقش دارد. به عبارت دیگر اگر موسیقی را به دو دسته‌ی «خوب» و «بد» تقسیم کنیم، موسیقی «خوب» نوازشگر است و موسیقی «بد» آشفته‌گر. اینکه کدام موسیقی خوب است و کدام بد؟ بحثی طولانی و تخصصی را می‌طلبید که هم از حوزه‌ی تخصص من خارج است و هم به علت گستردگی، خارج از حوصله‌ی این مقاله.

اما در ارتباط با وضعیت کنونی موسیقی در کشور ما، به جرأت می‌توان گفت که امروزه موسیقی ما دچار یک نوع آشفتنی شدید و در عین حال سکون عمیق است؛ شاید به همین علت باشد که سالهاست - به جز چند مورد استثنایی - کمتر شاهد کارهای جدی در این عرصه بوده‌ایم. به نظر من در کنار عوامل متعدد فرهنگی و اجتماعی که مسبب این سکون و رکود بوده است، متأسفانه بی‌توجهی نوازندگان و آوازخوانان ما به فراگیری مبانی تئوری و عملی موسیقی نیز نقشی تعیین کننده داشته است.

ناگفته پیداست که ارائه‌ی یک کار مؤثر و عالی موسیقی منوط به آشنایی کامل آواز خوان با اساسات علم موسیقی و آشنایی با دستگاه‌ها و مقام‌های متعارف است؛ چیزی که مع الاسف اکثر آوازخوانان امروزی ما از آن غفلت می‌ورزند. نوازنده یا آوازخوانی که بدون آگاهی از تئوری موسیقی به نواختن ساز و یا آواز خوانی می‌پردازد مانند معماری است که کورکورانه و بدون آگاهی از اصول علم معماری، می‌خواهد بنایی بسازد. در این نوع معماری هر آن امکان آن است که

■ دکتر اسدالله شعور

باید از کار قبلی وی بهتر باشد. هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ شیوه و اسلوب. یک نواختی در همه ساحه های هنری ملال آوراست. چرا که آدمی فطرتاً نوگرا، تحول پسند و تحرک طلب بوده و سکون و رکود مخالف طبیعت و روان اوست.

موسیقی ما از نظر من دچار مشکلات فراوان است از جمله: بی توجهی آوازخوانان ما به انتخاب شعر و استفاده از مفاهیمی که هیچ گونه بار ارزشی و عاطفی ندارند، ادای نادرست حروف و کلمات که گاه با اغلاط فاحش دستوری همراه است، بی اطلاعی از اساسات علم موسیقی و فنون صدانشناسی و غیره.

البته در این قسمت سوء تفاهم نشود که روی سخن من با آن عده از آوازخوانانی نیست که واقعا هنرمند اند، نو آوری و ابتکار دارند، نه تنها با اساسات موسیقی بلکه با دنیای ادب و شعر نیز آشنایی دارند و عملاً کار و تجربه می کنند، بلکه مراد من در مجموع وضعیت کلی موسیقی در کشور مان است.

همان گونه که در این شماره ملاحظه می فرمایید، آشیان گفت و شنودی اختصاصی داشته است با هنرمند محبوب آقای وحید قاسمی که در آن به پاره ای از مشکلات و کمبود ها در عرصه ی موسیقی کشورمان، اشاره شده است. آشیان بر آن است تا این سلسله گفت و گوها را به منظور بهتر شدن وضعیت موسیقی مان، با همکاری صاحب نظران عرصه ی موسیقی و ادب ادامه دهد.

به این امید که با ایفای نقشی کوچک در این راستا، روزی موسیقی ما از تشتت نجات یافته و از آشفته گری به نوازش گری برسد.

آشیان تان همیشه سر سبز و آباد باد!

اول جنوری ۲۰۰۵ / ۱۲ جدی ۱۳۸۳

تورنتو